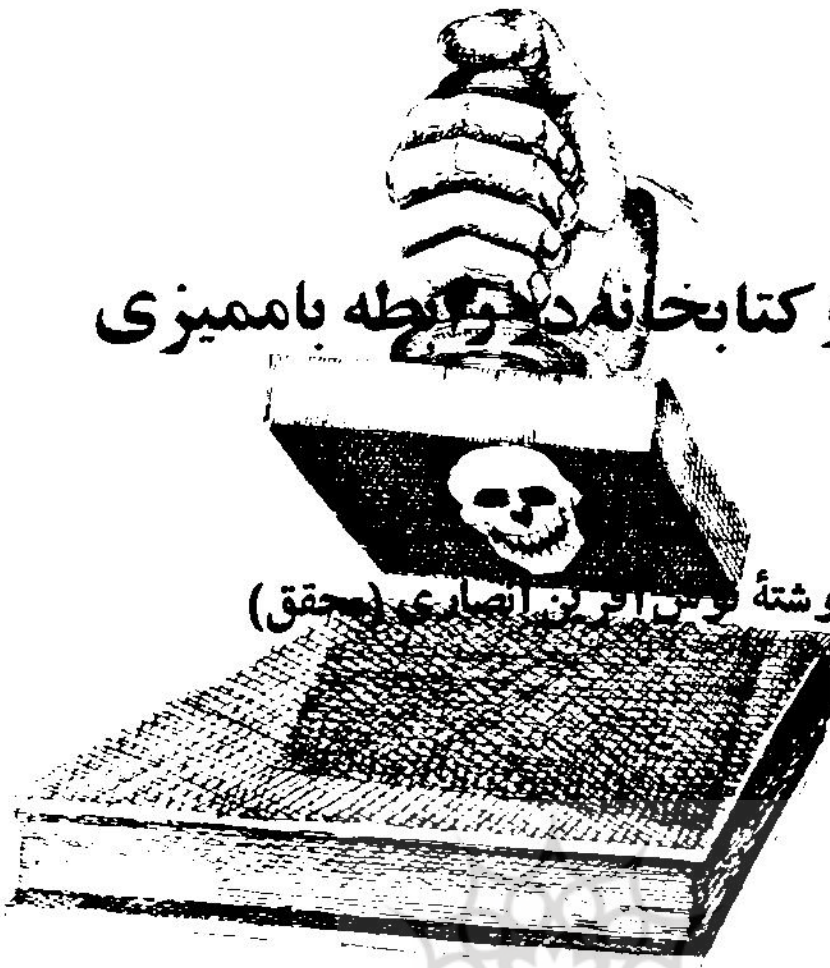


کتاب و کتابخانه در رابطه با ممیزی



نوشتهٔ نوین آفرین انصاری (محقق)

متن سخنرانی خانم نوش آفرین انصاری (محقق)
نمایندهٔ انجمن کتابداران ایران در سمینار
" خواستهای ملت ایران از قانون اساسی " که به
ابتکار جمعیت حقوقدانان از ۲۷ خرداد تا ۶ تیر
۱۳۵۸ در باشگاه دانشگاه تهران برگزار شد .

سخنم را بابتی از شیخ محمود شبستری آغاز می‌کنم :

بنام آنکه جان را فکرت آموخت

جراغ دل بنور جان بر افروخت

فلاسفه وجود را به چند نوع تقسیم کرده اند : فکر کردن وجود ذهنی است ، بیان فکر وجود لفظی ، و بیان مکتوب فکر وجود کتبی است که این در حقیقت مجرای دیگری است از وجود لفظی که هم بادوام تر و هم دقیق تر از حافظهٔ انسان است . آنچه در بحث زیر مورد نظر است

مربوط می‌شود منحصراً به بیان مکتوب.^۱ در طول تاریخ، بشر از وسایل گوناگون برای ارائه بیان مکتوب استفاده کرده است، از لوح گلین تا کتاب و میکروفیش.^۲ وسیله‌ای که در این جا بیشتر مورد نظر است کتاب است که از قدیم‌ترین و متداول‌ترین وسایل انتقال فکر و اندیشه است. کتاب حاوی پیامی است در وهله اول از نویسنده و مصور و در مرحله بعد از جانب مترجم و ناشر برای گیرنده آن که جامعه باشد. بین فرستنده و گیرنده پیام واسطه‌های مختلفی وجود دارد، مثلاً چاپخانه، کتابفروش و یا کتابخانه. در این بحث واسطه ارتباطی مورد نظر ما کتابخانه است. شبکه ارتباطی فوق را می‌توان بصورت یک مثلث نشان داد.^۳



در مورد این شبکه ارتباطی دو مطلب مورد توجه است. یکی آنکه این شبکه چون یک ارگانیزم بهم پیوسته است، هرگونه اثری که بر یکی از اجزاء آن وارد شود بر عملکرد اجزاء دیگر نیز اثر می‌گذارد. درست شبیه به گفته سعدی که:

شورشگاه علم انسانی و مطالعات فرهنگی
 جو عضوی ببدرد آورد روزگار
 دگر عضوها را نماند قطار

و دیگر اینکه پویایی و قدرت فرهنگ سازی این شبکه ارتباطی بستگی دارد به میزان آزادی در درون هر یک از اجزاء شبکه، فی‌المثل وجود ممیزی^۴ در خود کتاب، و میزان آزادی ارتباطی بین اجزاء شبکه مثلاً منع خرید کتابی برای کتابخانه و یا امتناع کتابدار از دادن کتابی به مراجعه کننده.

گذشته نشان می‌دهد که همواره درگیری میان آزادی و منع از آزادی وجود داشته است.^۵

و اصل این درگیری از آنجاست که از حرکت یک سلسله افکار در شبکه ارتباطی جلوگیری می‌شود. مأمورین ممیزی - که هرگز خود را بدخواه جامعه و شبکه ارتباطی نمی‌دانند - می‌پندارند بهتر از خود مردم فکر می‌کنند و خیر و صلاح آنان را بهتر از خودشان می‌دانند. بطور اجمال اثر ممیزی یا منع و محدودیت آزادی را در شبکه ارتباطی بررسی می‌کنیم. فرستنده پیام وقتی با سانسور مواجه می‌شود یا تسلیم می‌شود، یا مقاومت می‌کند. نتیجه تسلیم سکوت است یا عدول از بیان مقداری از افکار خویش. چنانچه تسلیم نشود بیشتر مجبور می‌شود به رمز و کنایه پناه ببرد. شاهد بوده‌ایم که کاربرد پیام رمزی با شدت و حدت ممیزی نسبت مستقیم داشته است. اشکال در این است که درک پیام رمزی و کنایه برای گیرنده آسان نیست. و در نتیجه پیام بطور کامل به گیرنده نمی‌رسد و بین گیرنده و فرستنده جدائی می‌افتد که خود نقض غرض است و از نظر فرهنگی بین طبقات مردم اختلاف به وجود می‌آورد. یکی از علل جدائی بین طبقات مردم و " روشن فکران " فاصله ایست که بین فرستنده و گیرنده از طریق اعمال ممیزی ایجاد شده است. ضایعه دیگری که از بالندگی فکر فرستنده، پیام می‌کاهد، عمل - شاید ناخود آگاه - سانسوری است که نویسنده خود بر خویش اعمال می‌کند. و این امر باعث می‌شود که معیارهای ممیزی برای خود جای مستحکمی در اعماق ذهن فرستنده باز کند.

اثر دیگر ممیزی افکار، ایجاد شبکه های ارتباطات مخفی و یا بقول فرنگی‌ها زیرزمینی است. همواره دیده شده است که در زمان شدت ممیزی فعالیتهای انتشاراتی رونق فراوان گرفته است. در سالهای اخیر در ایران شاهد به جریان افتادن کتب و نوشته های زیادی در شبکه ارتباطی پنهانی بوده ایم. بدیهی است که اندیشه بهر حال و صورت چه پنهان و چه آشکار مجال بروز خواهد یافت و بقول معروف:

پری رو تا بر مستوری نسدارد

چو در بستی سر از روزن برآرد

کتابخانه در حال حاضر از مهم ترین راههای توزیع فرهنگ مکتوب است. و بخاطر برآوردن نیازهای مطالعاتی گروههای مختلف خواننده، انواع کتابخانه ها بوجود آمده است؛ کتابخانه^۶ ملی، کتابخانه های تخصصی، دانشگاهی، آموزشگاهی، عمومی، وقفی^۷ از قبیل

کتابخانه های مساجد، مدارس، مشاهد و غیره، هم چنین مراکز مدارک علمی، آرشیوها و از آن قبیل. هریک از این انواع کتابخانه ها در برابر جامعه خوانندگان خود رسالتی دارند که در صورت اعمال ممیزی برای تالیف کتاب و یا اعمال سانسور در درون کتابخانه این رسالت ناکام می ماند. در کتابخانه کتاب یا عبارت دیگر هر پیام از نظر موضوع، در بافت موضوعی مربوط به خود قرار می گیرد و در ارتباط با نیاز گیرنده اهمیت پیدا می کند. پس هر مقدار که پیام های فرستنده تحت تغتیش و یا سانسور باشد به همان درجه بافت موضوعی مجموعه کتابخانه ناقص و ناتوان تر می شود. و در مجموع به توان فرهنگی کتابخانه لطمه می زند. رکود فرهنگی کتابخانه، خواننده یعنی گیرنده پیام را از مراجعه و استفاده از کتابخانه دور می کند.

نوع دیگر سانسور که به تضعیف این واسطه فرهنگی کمک می کند موارد سانسور مستقیم است از طریق خارج کردن کتابها و منع تهیه بعضی از کتب و بالاخره بوسیله سانسوری که مسوولان کتابخانه و کتابداران بر خود اعمال می کنند. در این جا باید به تفاوت بین گزینش که صرفاً بخاطر نوع کتابخانه و نوع خواننده صورت می گیرد^۸ و عمل ممیزی توجه نمود. آنچه می توان نتیجه گرفت این است که ضعف فرهنگی کتابخانه به رکود آن می انجامد زیرا گیرنده را از مراجعه به آن منصرف می سازد. مصداق این گفته اینکه اکثر کتابخانه های شهرها فقط قرائت خانه بودند، آن هم محل قرائت کتابهای درسی که تعلق به خود جوانان داشت. رکود کتابخانه ها بر اثر اعمال ممیزی در سالهای آخر به پدید آمدن شبکه ارتباط دیگری کمک کرده و آن ظهور کتابخانه های دانشجویی است. یکی از مهم ترین موفقیت های کتابخانه های دانشجویی بدون تردید ایجاد ارتباطی بود که بین فرستنده و گیرنده پیام در جامعه ما بوجود آورد. به عبارت دیگر می توان گفت که بسیاری نیاز به برقراری ارتباط، خود موجد طریقه تازه ای شد و کتابخانه های دانشجویی برپا گردید.

در آنچه پیش از این گفتیم مکرر به وضع گیرنده پیام اشاره شد و از بوجود آمدن اختلاف بین طبقات فرهنگی سخن رفت و اینکه پیام رمزی باعث می شود گیرنده نیازها و مسائل زندگی و هویت فرهنگی خود را در آن بازشناسد. گروهی از خواندن باز می مانند و با کتاب بیگانه می شوند. گروهی دیگر از طریق شبکه زیرزمینی با مواد خواندنی مورد نیاز خود ارتباط

برقرار می‌کنند. تجربه نشان داده است که سانسورچی در طول تاریخ نتوانسته است جلوی فکری را که در حال اشاعه است بگیرد. هر پیام سانسور شده کنجکاوی جامعه را بیشتر بر می‌انگیزد و ارتباط پنهانی با شور بیشتری جریان پیدا می‌کند. چه بسا این شور خواندن باعث به زندان افتادن، ایداء و شکنجه شدن خواننده هم بشود. خواننده پیام های سانسور شده، نسبت به انتشارات رسمی - آنچه روی پیشخوان است، نه در پستو - بدبین می‌شود و به خواندن این نوع کتابها و نوشته ها توجهی نمی‌کند. توجه جوانان ما به کتابفروشان بساطی از چنین وضعی مایه می‌گیرد.

از آنجا که خواننده محک روشنی برای شناخت و ارزشیابی آنچه می‌خواند ندارد و دستگاه سانسور اجازه بوجود آمدن یک نظام منطقی و مستدل نقد و ارزشیابی پیام را نمی‌دهد، رشد فرهنگی در میان توده های مردم بوجود نمی‌آید و بجای آشتی دادن تناقض های فرهنگی ایمن شکاف بیشتر و عمیق تر می‌شود. به گفته ناصر خسرو:

با خصم گوی علم، که بی خصمی علمی نه پاک شده مصفا شد

زیرا که سرخ روی برون آمد هر کو بسوی قاضی تنها شد

آنچه در این صحبت کوتاه می‌بایست روشن شده باشد اینکه سانسور بر تمام شبکه ارتباط اثر سوء می‌گذارد و از کارآئی فرهنگی آن می‌کاهد و در بوجود آمدن فقر فرهنگی در یک جامعه و استعمار پذیری آن کمک می‌کند. دعای میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل، یکی از وطن پرستان بزرگ و از شهدای راه آزادی در زمان شور و امید نسبت به قانون اساسی اول ما چنین است:

"عزرائیل... به امر خدای ایران و زمین و آسمان جان این دیو خبیث را قبض کرده با پنجه فولادی قانون اساسی چنان بر معز او بکوبد که ایران و ایرانیان را از شر او الی الابد آسوده کند و این لفظ منحوس فرنگی سانسور را از صفحه این خاک براندازد."^۹ و آرزوی ما اینست که نه تنها لفظ فرنگی سانسور بلکه لفظ های عربی تفتیش و ممیزی و واژه های بررسی و بازبینی و هر چه مانند اینهاست در این معنی زشت و کریه خود برای همیشه در خاک مدفون شود.

* * *

اسلام برای درست ارائه کردن اندیشه و برای آزادی طالبان علم همواره احترام قایل بوده است. در قرآن کریم از آنان که تحریف می‌کنند یعنی کلمه ای را بعد تغییر می‌دهند بدرستی و زشتی یاد شده است: *يحرِفون الكلم عن مواضعه* (مائده ۱۳/۵) "آنانکه سخنان خدای را از جای خویش می‌گردانند"، و رسول خدا می‌فرماید: *اطلبوا العلم ولو بالصين* (حدیث نبوی) "بجو علم را اگرچه در چین بود".

نمونه های زیادی در تاریخ اسلام از آزادی بیان و اهمیت دادن به کتاب و کتابخانه و خواننده وجود دارد. محمد زکریای رازی در محضر قاضی ری اجازه بیان در اثبات قدم عالم می‌یافت. ابوریحان بیرونی چهل سال در انتظار دیدن کتاب *سفر الاسرار* مانی باقی ماند. در بیت الحکمه بغداد دانشمندان و دانش طلبان از هر سوی عالم به تبادل نظر و به نوشتن و ترجمه کتاب می‌پرداختند. یاقوت حموی بیش از ۲۰۰ کتاب از کتابخانه های شهر مرو در خانه خود به امانت داشت. مسلمانان زیادی از زن و مرد، فقیر و غنی در طول تاریخ در وقف نامه ها، توجه خود را سست به کتاب و خواننده ابراز داشته اند: وقف کتاب، وقف مال برای تهیه کتاب و برای صحافی کتاب، وقف کاغذ و مرکب و نفرین بر کسانی که کتاب را حبس نمایند و به مراجعه کننده ندهند، این همه نمایشگر ایمان مسلمانان است به شبکه ارتباط میان نویسندگان و خواننده.

باتوجه به این خصلت دانش پروری در فرهنگ اسلامی و با توجه به اینکه نیل به آزادی از مهمترین اهداف انقلاب ملت ایران بوده است خواست ما اینست که جمهوری اسلامی همواره از آزادی اندیشه و بیان پاسداری نماید.

پیشنهادهای ما در مورد کتاب و کتابخانه برای درج در قانون اساسی اینست:

- ۱- هرگونه ممیزی (سانسور) در کتاب و مطبوعات ممنوع است.
- ۲- قانون اساسی آزادی نوشتن و خواندن را بطور کلی تضمین می‌کند.
- ۳- دولت موظف است برای هر شهر و روستا، به تناسب جمعیت، محل مناسبی برای کتابخانه بسازد ولی در انتخاب کتاب برای کتابخانه دخالتی نمی‌کند.
- ۴- قانون اساسی دسترسی همه افراد کشور را به فرهنگ ملی و فرهنگ جهانی تضمین می‌کند.

یادداشتها و پانویس ها

- ۱- سایر وسایل انتقال دانش مورد نظر این مقاله نیست و به تفصیل جداگانه نیاز دارد.
- ۲- برای تفصیل بیشتر نگاه کنید به:
هوشنگ ابرامی، شناختی از دانش شناسی (تهران: انجمن کتابداران ایران، ۱۳۵۶).
ص. ۱۶ بعد.
- ۳- برای تفصیل بیشتر در مورد این نظریه نگاه کنید به:
J.H. Shera. *Knowing Books and Men, Knowing Computers too.*
(Littleton, Colo: Libraries Unlimited, 1973): 66 ff.
۴- در این گفتار از دو واژه "ممیزی و سانسور بطور مترادف استفاده شده است.
- ۵- برای اطلاع بیشتر از تاریخچه سانسور و وضع سانسور در ایران نگاه کنید به: نورالله مرادی "سانسور"، *خبرنامه انجمن کتابداران ایران*، ۵ (تابستان ۱۳۵۱): ص. ۱۵-۳۶.
غلامحسین ساعدی، "سانسور در ایران"، *گیهان* (۱۳۵۷)، ۱۰۶۲۵، ۱۰۶۲۸، ۱۰۶۳۱، ۱۰۶۳۳.
- باقر مومنی، *درد اهل قلم*. (بی جا، بی نا، ۱۳۵۶): ص. ۱-۱۸.
- ۶- باید توجه داشت که این جا مراد از سازمان منحصر بفردی در هر مملکت است و این غیر از کتابخانه هائی است که به اسم ملی در ایران تاسیس شده و شاید بکاربردن واژه "ملتی درباره این کتابخانه ها درست تر باشد.
- ۷- متأسفانه به این دسته از کتابخانه هادر متون کتابداری به زبان فارسی عنایت و توجه کافی نشده است.
- ۸- هوشنگ ابرامی، همان کتاب: ص. ۹۳-۱۰۰.
- ۹- باقر مومنی، همان کتاب: ص. ۱۸.